

رتوش برنامه

اینک که کنگره درپیش است، فرصتی است تادستی بر برنامه سازمان بکشیم . من اصلاحات زیر را برای بحث و بررسی اعضا، در اختیار دبیرخانه میگذارم.

برهان

در رابطه با برنامه، اصلاحات زیر را پیشنهاد می کنم (*):

۱) ص ۱- پ ۲- س ۶- **تکامل** بشود: **شکوفائی** (۲بار).

۲) ص ۲- پ ۲- س ۱- بعد از **مناسبات**، افزوده شود: **فئودالی**.

همان جا- س ۳- بشود: **نسب و نژاد و ملیت، به صورت کالا به بازار آورد، اما**

۲) بجای پاراگراف های اول و دوم صفحه ۴ (پاراگراف اول ص ۴، از انتهای صفحه ۳

شروع می شود) پاراگراف های زیرین بیابند:

روند تمرکز قدرت و سرمایه، در دو دهه واپسین قرن بیستم، تحت تأثیر انقلاب در تکنولوژی اطلاعاتی، بطور خارق العاده ای شتاب گرفته است؛ و این، تازه آغاز یک خیز عظیم سرمایه داری است که قصد دارد هر چیز را در زندگی بشری، در طبیعت، و در فضا، به مالکیت خصوصی در آورد؛ و همه چیز را از کلمه تا شئی، از تن تا روان، از طبیعت تا فرهنگ، و از زمین تا آسمان، به کالا تبدیل کند.

پدیده جهانی شدن سرمایه، بطور نامشهود، ولی عملاً، نوعی کمیته جرائی جهانی در نقش دولت واقعی حکومت کننده بر جهان را به عرصه آورده است که بازیگران اصلی آن را صندوق بین المللی پول، بانک جهانی، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، و سازمان جهانی تجارت تشکیل می دهند. این فراقدرت غیر رسمی، بی اعتناء به جدال های دموکراسی های پارلمانی، و بدون حساب پس دادن به هیچ ملت و دولتی، سکان حاکمیت جهان را در دست گرفته و با قلدری تمام، سرنوشت ساکنان آن را تعیین می کند؛ بی آن که هنوز هیچ نیروی مقابلی برای اصلاح، یا مجازات، و یا عقب نشاندن تصمیمات آن قدم به میدان گذاشته باشد؛ چرا که نیروهای مقابله سنتی و پارلمانی، احزاب و رسانه ها، یا زیادی محلی و ملی اند، یا بقدر کافی، همدست آن ها.

(*) نشانی دادن های من در انطباق با شماره صفحات و پاراگراف بندی نسخه مصوب کنگره سوم، چاپ ۱۳۷۶ است
ص = صفحه ؛ س = سطر؛ پ = پاراگراف

بویژه در دهه های پایانی سده بیستم، این قدرت جهانی، بی وقفه در حال بلعیدن قلمرو متعلق به سیاست و دولت ؛ و از کارائی انداختن دموکراسی پارلمانی بوده است. جهانی شده سرمایه، همه دولت ها را در گرداب خود فرو می بلعد. سخن از دومین انقلاب سرمایه داری است. جهانی شدن سرمایه، بی اعتناء به استقلال ملت ها و بی توجه به گونه گونی رژیم های سیاسی، در دورافتاده ترین گوشه و زوایای کره خاکی رخنه می کند. یکبار دیگر با عصر جهان گشائی رو برو هستیم؛ اما این بار، برخلاف دوران استعمار، فاتحان و غاصبان، نه دولت ها، که شرکت ها و مجتمع های خصوصی صنعتی - مالی اند که نه بر سرزمین ها، بلکه بر ثروت هاچنگ می اندازند و دنیا را اداره می کنند. هرگز در تاریخ بشریت، اربابان دنیا به این کم شماری و به این پر قدرتی نبوده اند.

۴) ص ۶-پ ۱-س ماقبل آخر- فحشا بشود **تن فروشی** (توضیح : فحشا- بخصوص در فرهنگ اسلامی - بامفاهیم اخلاقی مخلوط است، و نیز مخالفت با فحشا، به مخالفت با آزادی جنسی تعبیر می شود، حال آن که نقد ما بر کالا شدن سکس است.)

۵) ص ۶-پ ۲- تاسطراول ص ۷ با پاراگراف زیر جایگزین شود:

سرمایه داری در طول قرن بیستم برای حفظ سلطه انحصارات بر جهان؛ برای تجدید تقسیم بازارها بین امپریالیست ها؛ برای ازپا در آوردن کشورهای که قدم در راه سوسیالیسم گذاشتند؛ و برای در انقیاد نگهداشتن کشور های تحت سلطه، اقتصاد جهان را بکلی نظامی کرد. بیش از نیم قرن تحمیل مسابقه تسلیحاتی به کشورهای خارج شده از مدار سرمایه و شکستن کمر اقتصاد آنان؛ ایجاد پایگاه ها و پیمان های نظامی تجاوزگر؛ اشغالگری ها؛ کودتاهای نظامی؛ تولید و فروش سلاح های کشتار جمعی؛ مسلح کردن رژیم ها و دستجات ضدکمونیست، نژاد پرست و فاشیست؛ تحریکات، آتش افروزی ها و مداخله گری های مستقیم و غیر مستقیم، تحت عنوان " خطر شوروی" و وجود جنگ سرد توجیه می شده اند تا بر جدائی ناپذیری ی سرمایه داری و نظامی

گری پرده کشیده شود. اما پس از فروپاشی شوروی و دیوار برلین، و باوجود منتفی شدن جنگ سرد، سلاح های کشتار جمعی به مراتب تکامل یافته، وتولید و فروش آن ها افزایش پیدا کرده است؛ قراردادهای منع آزمایشات

هسته‌ای، بان انتقال این آزمایشات به کامپیوتر، عملاً باطل، وانجام آن ها غیر قابل کنترل و رد یابی شده است. مسابقهٔ تسلیحاتی بین کشورهای در حال توسعه دامن زده شده؛ کشتار جمعی مردم بی گناه و بی دفاع و نابودکردن زیرساخت اقتصادی کشورهای نافرمان تحت عنوان وارونهٔ « از میان بردن توان کشتار جمعی دیکتاتورها» و دفاع از « حقوق بشر»، به نمایش روزانه و عادی تلویزیون های جهان تبدیل شده است. « پیمان دفاعی ناتو» – که پس از انحلال پیمان ورشو، میبایست دلیل وجودی خود را از دست بدهد – آشکارا به بازوی تجاوز نظامی امپریالیسم، وبه ستاد مشترکی برای به حاشیه راندن شورای امنیت سازمان ملل مبدل شده است. این جنگ طلبی ونظامیگری، و نیز بهره برداری از ناسیونالیسم، نژاد پرستی، تعصبات قومی و مذهبی برای جنگ افروزی، تنها بخاطر رونق بخشیدن به صنایع آدم کشی و ویرانگری – همچون یکی از منابع اصلی سود انحصارات – نیست، بلکه همزاد سرمایه برای حفظ حاکمیت خود، حل وفصل مسائل رقابت و سرکردگی، و تجدید نظم جهانی است.

۶) ص ۷ – پ ۲ – س ۸ **قوام یافته بشود: جا افتاده بود.**

۷) همان جا، س ۹ **می گیرند بشود: گرفته است.**

۸) همان جا، س ۱۱ **می دهد، بشود: داده است**

۹) ص ۸ – پ ۱ – س ۵ **فحشا بشود: تن فروشی**

۱۰) همان جا، س ۱۲ **بشود: آپارتاید منسوخ در آفریقای جنوبی**

۱۱) همان جا، س ۲ از پائین، **فیلتر بشود: صافی**

۱۲) همان جا، سطر آخر، عبارت **بکلی حذف شود.**

۱۳) ص ۹ – پ ۱ – س ۲ **بعداز خشونت بیشتر می شود، افزوده شود: سوسیال دمکرات ها در**

هر رفت و برگشت نوبتی به قدرت، هربار بیش از پیش عهده دار پیش بردن سیاست ها و برنامه های لیبرالیسم جدید می شوند و نشان می دهند که

۱۴) ص ۱۰ – پ ۲ – س ۲ **است. بشود: است ؛**

۱۵) ص ۱۱-۸ بعد از عبارت **درآمدند**، افزوده شود: بازگشت مالکیت خصوصی وسلطه بازار بر کشورهای «سوسیالیستی»، نه فقط «آزادی و دموکراسی»ی وعده داده شده به مردم را به ارمغان نیاورده است، بلکه حتا در برخی از این کشورها، صدها میلیون مردم کارگر و زحمتکش را در غرقاب هولناک همه پلشتی ها و بلایای يك لیبرالیسم اقتصادی فاسد و مافیائی غوطه‌ور ساخته است. بازگشت پدیده های بیکاری، گرسنگی، فلاکت، بی سرپناهی، بی آیندگی؛ پا گرفتن کلیسا ها و تاریخ اندیشی مذهبی، و همچنین جنگ های قومی در برخی از این کشورها، به روشنی نشان داد که راه سرمایه داری برای مردم این کشورها (که در پی برطرف کردن معایب نظام پیشین بودند)، نه راه بهبود، که راه وخامت اوضاع است.

۱۶) ص ۱۱- عنوان **سرمایه داری و استبداد در ایران** در صفحه مستقلی باز شود؛ در سطر دوم

زیر این عنوان، عبارت **سرمایه داری جهانی**، بشود: **حاکمیت سرمایه در جهان**

۱۷) همان جا، س ۲ از پائین- بعد از **ثمره تسلط سرمایه داری**، افزوده شود: **در ایران**

۱۸) ص ۱۲- س ۲- **۵۷** بشود: **۱۳۵۷شمسی**، و در سطر بعدی، **خورد**. بشود: **خورد**؛

۱۹) همان جا، س ۱۱- **رژیم جمهوری اسلامی...** به پاراگراف جدید منتقل شده و به دنبال آن

افزوده شود: **به مثابه یک رژیم نا به هنگام تاریخی**،

۲۰) همان جا، س ۱۵- بعد از **زیر پا گذاشت**؛ چنین ادامه پیدا کند:

تبعیض همه جانبه بر زنان و نیز آپارتاید جنسی را که از اصول نظری بنیادی رژیم اسلامی اند، بصورت قوانین حکومتی بر فرهنگ مردسالارانه حاکم بر جامعه افزود؛ زیر بنای کشور را در پافشاری بر تداوم يك جنگ پوچ، ویران کرد؛ زندانیان سیاسی و عقیدتی را قتل عام کرد؛ تروریسم دولتی را در داخل و خارج از ایران سازمان داد؛ ضمن پاسداری خونین از حاکمیت سرمایه، ارتجاعی ترین اشکال مالکیت و قوانین شرعی را هم به خدمت آن در آورد، و به این ترتیب، هم کشور را به پرتگاه ورشکستگی و فلاکت اقتصادی سوق داد، وهم بی حقوقی سیاسی، اجتماعی و مشقات معیشتی و زیستی اکثریت عظیم مردم رانسبت به پیش از قیام بهمن، به مراتب شدت داد.

تناقضات بنیادین و حل ناشدنی حکومت اسلامی از يك سو، و خیزش مهار ناشدنی توده های مردم برای حق حاکمیت و در دست گرفتن سرنوشت خود، رژیم اسلامی را به بن بست کامل کشانده

و شکاف در صف حکومتیان را برسر چگونه مهار کردن مردم و نجات رژیم اسلامی، به حادثترین بحران حکومتی تبدیل کرده است. جناح تمامیت‌خواه رژیم بمنظور منکوب ساختن جنبش توده‌ای، در پی آن است که ابتدا جریان اصلاح طلبی‌ی حکومتی را از سر راه خود بردارد؛ و جریان اطلاع طلبی‌ی حکومتی نیز بر آن است که با واداشتن تمامیت خواهان به رعایت قانون اساسی و اجرای آن، جنبش توده‌ای را با قانون اساسی، به تیرک ولایت فقیه طناب پیچ کند و جمهوری اسلامی را نجات دهد. و این در حالی است که جنبش توده‌ای، آشکارا خود قانون اساسی و هسته و شالوده اصلی آن، یعنی ولایت فقیه را نشانه گرفته است و به هیچ چیز کمتر از سر رژیم اسلامی رضایت نمی دهد.

نه فقط مقاومت انتحاری‌ی تمامیت خواهان در برابر اصلاحات، بلکه ظرفیت‌ها و چارچوب‌های اصلاحات مورد نظر اصلاح طلبان حکومتی نیز گواهی می دهد که رژیم جمهوری اسلامی و همه جناح‌های آن در تمامیت اش، مقدم ترین مانع در راه هرگونه تحول حقیقی در ایران، در راستای حاکمین مردم، آزادی‌های بی‌قید و شرط سیاسی، حقوق برابر شهروندی، رفع ستم‌های جنسی، ملی، طبقاتی و رهائی توده‌های مردم از چنگال طبقات بهره کش است. این مانع، فقط از طریق یک انقلاب توده‌ای می تواند از سر راه چنین خواسته‌هایی برداشته شود.

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)، در کشاکش میان جناح‌های رژیم، از هر وسیله و امکانی (و بویژه از تضاد جناح‌ها و کمک به تشدید آن) برای تقویت جنبش مستقل توده‌ای، در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بهره می گیرد؛ و در برابر برنامه اصلاح طلبان، آلترناتیو دولت کارگری و انتقال از سرمایه‌داری به سوسیالیسم را می نهد؛ زیرا تنها راه حاکمیت حقیقی اکثریت جمعیت کشور بر زندگی و سرنوشت خود، تثبیت آزادی‌های عمومی سیاسی، حل بحران ساختاری اقتصاد، و مبارزه با ریشه‌های تبعیضات و ستم‌های اجتماعی و طبقاتی را، استقرار دولت مزد و حقوق بگیران (یعنی طبقه کارگر و زحمتکشان)، و پایان دادن به سلطه اقلیت بر اکثریت می داند.

۲۱ص ۱۲- پ۲- چنین تکمیل شود:

برپائی دموکراسی پایدار و گذار به سوسیالیسم در ایران، از طریق دولت کارگری می تواند عملی شود. تأسیس دولت کارگری باید محصول اراده و رأی آزادانه اکثریت جمعیت کشور باشد. از این رو مجلس مؤسسان متکی بر انقلاب که با رأی آزادانه همه مردم دعوت شود و حکومت را به اکثریت جمعیت کشور منتقل کند، نخستین تجلی آرای عمومی و نخستین سنگ بنای دموکراسی خواهد

(۲۲) ص ۱۳- انتهای سطر آخر- بشود: یعنی انحلال همه

(۲۳) ص ۱۴- س ۴- بشود: حاکمیت اکثریت جمعیت و

(۲۴) همان جا، پ ۲- س ۲- بشود: نمی بخشد. یکی از شرائط دموکراسی سوسیالیستی این است که زنان - که نیمی از جمعیت را تشکیل می دهند، نه تنها از حقوق برابر با مردان در قانون برخوردار باشند، بلکه بطور مساوی با مردان در قدرت سیاسی شرکت داشته باشند.

(۲۵) همان جا، سطر بعدی- به جای بیماری مزمن و آسفتگی بحرانی، بیاید: بیماری مزمن و

بحران ساختاری

(۲۶) ص ۱۵- پ ۲- س ۲- به جای تأسیس یک جمهوری واقعاً دموکراتیک و مردمی، بیاید: تأسیس

جمهور واقعی و حقیقتاً دموکراتیک مردم، یعنی حکومت کارگران و تھی دستان،

(۲۷) ص ۱۶- پ ۲- س ۲- بعد از اعتقادات سیاسی، افزوده شود: ، ایدئولوژیک و مذهبی.

(۲۸) ص ۱۶ - بعد از پاراگراف اخیر ، پاراگراف زیر افزوده شود:

برخورداری همه شهروندان از حقوق و آزادی‌های مدنی و فردی.

ممنوعیت تجاوز به حریم زندگی خصوصی افراد و مداخله دولت و نهادهای غیردولتی در آن. آزادی هر فرد در سلیقه‌ها، گزینش‌ها، شیوه زندگی، تمایلات، گرایش‌ها (از جمله در گرایش جنسی) مصونیت قانونی حریم زندگی خصوصی از تجاوز، مداخله و مزاحمت‌های دولت و نظام ارزشی مسلط (مادام که موجب تجاوز به حقوق فردی و مدنی و آسیب زدن به زندگی دیگران نشود).

(۲۹) ص ۱۷- پ ۲- س ۲- به این صورت اصلاح شود: جنبش‌های آزادی خواهانه و ضد سرمایه

داری کارگری، جنبش‌های اجتماعی مترقی، و مبارزات ملت‌ها برای رهائی از سلطه؛ و دفاع از

(۳۰) همان ص- پ ۴- س ۱- به جای حمایت از جنبش‌های فمینیستی مترقی (که منظور از آن

روشن نیست و هیچ فمینیستی هم وجود ندارد که خود را مترقی نداند)، بیاید: حمایت از جنبش‌های

فمینیستی‌ای که برای رفع کامل تبعیضات جنسی، برچیدن مرد سالاری و پدرسالاری و برای برابری کامل

حقوق و فرصت‌ها میان زنان و مردان مبارزه می کنند؛

(۳۱) ص ۱۹- س ۴- در هر جا که برای ساکنان آلونک‌هائی خانه ساخته شود، می توان آن آلونک

ها را خراب کرد. پس این بند چنین اصلاح شود: خودداری از تخریب زاغه‌ها و آلونک‌ها تا هنگام

۳۲) همان ص - س ۶ - بشود: حق هر فرد برای برخورداری از آموزش و پرورش

۳۳) همان ص - س ۲ - از پائین - بشود: محیط زیست و حفاظت از طبیعت.

۳۴) همان ص ۲۰ - س ۷ - ایجاد اشتغال بشود: ایجاد کار، و برای مردم حذف شود.

۳۵) همان ص - س ۸ - اشتغال زنان بشود: کار کردن زنان

۳۶) همان ص - س ۹ - ممنوعیت اشتغال بشود: ممنوعیت کارکردن

۳۷) همان ص - س ۶ - از پائین - به جای تمامی کارگران بیاید: همه مزد بگیران

۳۸) همان ص - س ۳ - از پائین - بعد از شاگردان مغازه ها، افزوده شود: کارگران مهاجر و پناهنده

۳۹) همان ص - پ ۴ - بعد از زنان و مردان افزوده شود: و کارگران خارجی

۴۰) همان جا - س آخر - افزوده شود: برنامه ریزی های مرحله ای با مشارکت و مداخله سازمان

های زنان، به منظور فراهم کردن امکانات افزایش مداوم سهم زنان در پست های مدیریت و هدایت، و برطرف کردن نابرابری نسبت زنان و مردان در قدرت سیاسی.

۴۱) همان ص - س ۷ - بعد از کلمه خانواده افزوده شود: که متضمن برابری کامل حقوق و اختیارات

زن و شوهر در هر موردی باشد،

۴۲) همان ص ۲۲ - س ۹ - ممنوعیت فحشاء به این صورت عوض شود: ممنوعیت هر شکلی از بهره کشی و

دلالی جنسی. گسترش تأمینات اجتماعی به منظور بی نیاز کردن درماندگان، از تن فروشی.

۴۳) بعد از پاراگراف فوق، پاراگراف زیر افزوده شود:

ممنوعیت و قابل تعقیب قانونی بودن تحمیل هر سنت و عرفی بر دختران و زنان در روابط فردی، خانوادگی، زناشویی یا محیطی، که بر ضد برابری حقوقی زنان با مردان، تجاوز به آزادی های فردی و حقوق شهروندی وی، و ناقض اختیار کامل زن بر تن خود باشد.

۴۴) همان ص ۲۳ - پ ۲ - با پاراگراف زیر جایگزین شود:

** سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) اتحاد طبقاتی همه گرایشات ضد استبدادی، ضد دموکراتیک و ضد سرمایه داری در میان کارگران ایران را ضرورت عاجل و حیاتی برای تشکل آنان به مثابه طبقه حاکم تلقی می کند؛ و به منظور هموار کردن راه این اتحاد طبقاتی و در چارچوب استراتژی سوسیالیستی خود، برای اتحاد همه سوسیالیست هائی که از هم اکنون برای آلترناتیو سوسیالیستی در برابر جمهوری اسلامی، برای دولت کارگری، خود حکومتی توده ای، آزادی های

بی‌قید و شرط سیاسی، و گذار به سوسیالیسم مبارزه می‌کنند، تلاش می‌کند.
سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)، در عین حال، به منظور برداشتن مانع مقدم از سر
راه آلترناتیو کارگری، در مبارزه عمومی برای سرنگونی جمهوری اسلامی با نیروهائی که علیه بازگشت
سلطنت یا هرشکلی از حکومت اسلامی، برای جدائی دین از دولت، حق حاکمیت مردم، آزادی های
سیاسی، حق رأی عمومی، حق ملل ساکن ایران برای تعیین سرنوشت خود، رفع تبعیض از زنان و
برابری آنان بامردان، و در راه این خواسته ها، برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران مبارزه میکنند،
همکاری می‌کند.

* * * * *

پنجم ژوئن ۲۰۰۰

برهان